

هستی‌شناسی صلح و جایگاه آن در نظام آموزشی ژاپن

حمید صالحی*

چکیده

هستی‌شناسی در پی اموری است که موجودیت آنها مسلم است. هر انسان به فراخور محیطی که در آن قرار دارد، نسبت به پیرامون خود شناخت پیدا می‌کند. شناختی که شخص از پیرامون خود به‌دست می‌آورد هستی‌شناسی گفته می‌شود. از آنجایی که از نظر برخی نظریه‌پردازان غیراسلامی مفهوم صلح در برابر مفهوم جنگ تجلی پیدا می‌کند، بررسی هستی‌شناسی صلح یکی از ضروریات بشریت و جامعه بین‌المللی است که همواره در مسیر رسیدن به آن تلاش کرده و سودای وصال آن را در سر می‌پرورانده است. از منظر نظریه‌پردازان، امروزه پرداختن به موضوع صلح و اساساً تعلیم و تربیت مبتنی بر صلح کار بسیار پیچیده و حائز اهمیتی است. از این رو پرداختن و توجه به صلح کارویژه‌های فراوانی را می‌طلبد. کشور ژاپن که دارای یکی از شاخص‌ترین تمدن‌هاست، در جهان امروز توانسته در حوزه‌های مختلف ایفای نقش کند و از آنجایی که دارای عملکردهای ویژه در موقعیت‌های فراوان در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی بوده

* دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
(نویسنده مسئول: hsalchi84@yahoo.com)

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۶/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۶/۰۴

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره بیست و ششم، صص ۱۲۱ - ۱۰۵ .

است، باعث شده تا همواره مورد توجه اندیشمندان و نظریه‌پردازان قرار گیرد. در این نوشتار، تغییرات اساسی و بنیادی کشور ژاپن را، علی‌رغم سابقه پرتنش و تنازع‌برانگیز در عصرهای گذشته و داشتن مولفه‌های ایجاد منازعه، بعد از اتمام جنگ جهانی دوم (حادثه تلخ بمباران هسته‌ای شهرهای هیروشیما و ناکازاکی در آگوست ۱۹۴۵) مورد واکاوی قرار گرفته شده است. چرا که این کشور در این خصوص یک تجربه موفق و دارای اهمیت را به نمایش گذاشته و جهانیان را متحیر کرده است. سوال این پژوهش حاکی این است که ژاپن جنگ‌طلب چگونه سیاست‌های صلح‌طلبی را دنبال کرده و مکانیسم، شاخص‌ها، سیاست‌ها و راهبردهای صلح‌طلبی آن مبتنی بر چه استراتژی‌های کلانی است؟ و چگونه بهره کافی و وافی را از این سیاست‌ها برده و توانسته به این جایگاه در سطح بین‌المللی دست یابد؟ آنچه در این نوشتار مورد توجه و بررسی قرار گرفته شده است راهکارها و راهبردهای عملی و اجرایی صلح‌طلبانه کشور ژاپن در خصوص نظام تعلیم و تربیت صلح‌طلبانه است، به طوری که به توان از این راهبردها، سیاست‌ها، راهکارها و مکانیسم‌ها در دیگر محیط‌های علمی- آموزشی استفاده نمود.

واژه‌های کلیدی: هستی‌شناسی صلح، نظام آموزشی، کشور ژاپن، استراتژی‌های صلح‌طلبانه.

مقدمه

کشور ژاپن با وسعت ۳۷۸۰۰۰ کیلومتر مربع در شرق آسیا قرار دارد و این وسعت کم که تقریباً یک پنجم مساحت ایران تلقی می‌گردد، داری یکی از تمدن‌های بزرگ بشری است و در بررسی اجمالی این جغرافیا در سنوات گذشته همواره کنون منازعات و کشمکش‌های قومی قبیله‌ای بوده و به واقع از مردمی برخوردار هستند که در جنگ‌آوری و ایجاد نزاع زبازدمردمان عالم هستند و سامورایی‌های جنگ‌آور در بخشی از تازیخ عظیم این کشور را در برمی‌گیرد و با توجه به اینکه این کشور کوچک از لحاظ وسعت و پراکندگی جزایر متعددی که در جغرافیای این ژئوپلیتیک وجود دارد، پتانسیل اصلی شروع نزاع‌ها و انگیزه‌های جنگ‌طلبی را تقویت می‌کند و به عبارتی از دلایل اصلی شروع جنگ‌ها کمبود وسعت و یا به عبارتی کشورگشایی و دست‌درازی به محیط‌های دیگر را توجیه می‌کند.

بر این اساس، در یک بررسی عمیق تاریخ جنگ‌های ژاپن از گذشته تاکنون بالغ بر ۲۷ تعداد می‌باشد و همواره ژاپن در منازعات منطقه‌ای و بین‌المللی یک پای ثابت بوده و ایفای نقش می‌کرده، ولی همان‌گونه که در حوزه‌های فرهنگی، اقتصادی، فکری، اجتماعی و نظامی دارای پیشرفت‌های شگرف عمیق و بنیادی گشته، در حوزه ایجاد فرهنگ مبتنی بر صلح نیز این کشور برنامه‌های بنیادی و اجرایی را دنبال کرده که بعد از شش آگوست ۱۹۴۵ و اتمام جنگ جهانی دوم، این برنامه‌ها را دنبال و توانست به پیشرفت‌های شگرفی در این حوزه نائل شود. لذ در این نوشتار درصدد هستیم تا با بررسی راهبردها و رویکردهای استراتژیک ژاپن در زمینه تعلیم و تربیت و آموزش صلح، به رهیافت‌هایی برای کشور ایران بپردازیم.

۱. نگاهی به ژاپن

کشور آتشفشانی و زلزله‌خیز ژاپن از ۴ جزیره بزرگ و ۳۹۰۰ جزیره کوچک تشکیل شده است. مساحت ژاپن ۳۷۸ هزار کیلومتر مربع - کمتر از یک چهارم ایران و جمعیت آن ۱۲۵ میلیون نفر، یعنی دو برابر ایران - است. بیش از ۶۷ درصد این کشور را کوه و جنگل و ۱۵ درصد آن را زمین‌های کشاورزی فراگرفته است. این کشور فاقد هرگونه منابع طبیعی مثل نفت و گاز است ولی درآمد سرانه مردم آن ۳۸ هزار دلار - ۱۵ برابر ایران - است که این نشانگر آن است که سطح رفاه در این کشور آسیایی از آمریکا و بسیاری از کشورهای اروپایی بالاتر است. عمر متوسط مردان ژاپنی ۷۸ و عمر متوسط زنان این کشور ۸۵ سال است - ۱۵ سال بیشتر از ایران - دین و آیین مردم ژاپن شینتو و بودایی است و پیروان این آیین‌ها حدود دو برابر جمعیت ژاپن هستند؛ زیرا که بیشتر مردم این کشور به هر دو آیین معتقدند. شینتو مجموعه‌ای از باورهای دیرینه ژاپنی‌هاست که بر اساس آن کلیه مظاهر طبیعت مانند کوه، ستاره و دریا خدایگان جداگانه‌ای دارند و باید پرستش شوند. طبق آیین شینتو، روح انسان بعد از مرگ جاودانه باقی می‌ماند اما جهان دیگری وجود ندارد. بنابراین پاداش و کیفری هم برای اعمال آدمی نیست. آیین بودایی در اواخر قرن ششم پیش از میلاد - ۲۶۰۰ سال قبل - توسط بودا و در کشور هند پایه‌گذاری و از طریق چین و کره به ژاپن راه یافت. طبق آیین بودایی روح افراد پس از مرگ به بدن فرد دیگری منتقل می‌شود و در آنجا برحسب راحتی و سختی زندگی او، به پاداش یا عقاب می‌رسد. مهم‌ترین ویژگی مردم ژاپن سخت‌کوشی، قناعت، نظم و روحیه همکاری و مشارکت آنهاست. (https://fa.wikipedia.org/wiki/cite_note-7)

۱-۱. تاریخ جنگ‌های ژاپن

مجمع‌الجزایر ژاپن با اینکه از نظر وسعت، کشور کوچکی است، اما از موقعیت استراتژیک و مهمی برخوردار است، مجاورت آن با روسیه، از مهم‌ترین عناصر جغرافیای - سیاسی ژاپن به ویژه پس از جنگ دوم جهانی است. از طرف دیگر این کشور بر سر راه کوتاه‌ترین و مهم‌ترین خطوط مواصلاتی بین آمریکای شمالی و خاور آسیا در اقیانوس آرام قرار گرفته است و کشتی‌هایی که از سواحل غربی ایالات متحده به مقصد چین، هنگ کنگ، و کشورهای جنوب شرقی آسیا حرکت می‌کنند، معمولاً در بنادر آن پهلو می‌گیرند.

به این جهت، ژاپن حائلی است بین اقیانوس آرام و کشورهای روسیه و چین. گرچه گفته می‌شود که نخستین انسان‌ها بیش از ده هزار سال قبل در شبه‌جزیره ژاپن سکونت داشته‌اند اما خاستگاه واقعی مردمان امروز ژاپن هنوز ناشناخته است. آغاز تاریخ ژاپن، با مردمانی از نژاد آینو و مغول به سده‌های پیش از میلاد مسیح بازمی‌گردد و از آن زمان تاکنون تنها یک سلسله امپراتوری بر این سرزمین فرمانروایی کرده است (حسنی، ۱۳۸۱: ۶۰). به طور کلی می‌توان تاریخ ژاپن را به چهار دوره تقسیم کرد: دوران کهن، دوران امپراتوری (اشراف‌سالاری)، دوران شگون‌ها و دوران مدرن.

ژاپن در این دوره‌ها بیش از ۲۷ جنگ را پشت سر می‌گذارد که بیشترین آن در دوران شگون‌ها بود که طبقه جنگجویان (سامورایی‌ها) به تدریج نیرومند شدند و حدوداً در پایان سده دوازدهم به قدرت رسیدند و منجر به سال‌های طولانی منازعه و درگیری و سرنگونی رژیم‌های متعدد شد (https://fa.wikipedia.org/wiki/cite_note-7). در سال‌های پیش از جنگ جهانی دوم، ژاپن در مسیر تمامیت‌خواهی، ملی‌گرایی افراطی و فاشیسم گام نهاد (The Rise of the Militarists, 2013). این موضوع در پس‌زمینه‌ای از رویارویی‌ها و ناآرامی‌های گسترده جهانی نظیر رکود اقتصادی و جنگ جهانی دوم رخ داد (Mukden Incident, 2013).

در دوران مدرن نیز مردم و حکومت ژاپن به علت روحیه جنگجو و موقعیت استراتژیک خود با جنگ‌های زیادی روبرو بودند و پیشرفت پرشتاب نظامی در سرتاسر شمال شرق آسیا و اقیانوس آرام داشتند؛ ولی در جنگ جهانی دوم این پیشرفت نظامی متوقف شد و ایالات متحده با توافق شوروی سابق با پرتاب دو بمب اتمی در شهرهای هیروشیما و ناگازاکی، ژاپن را وادار به تسلیم کرد. به این ترتیب برای ژاپن، جنگ دوم جهانی با شکستی فاجعه‌آمیز و وحشت جنگ اتمی به پایان رسید. دولت ژاپن به دستور امپراتور هیروهیتو در ۱۴ اوت ۱۹۴۵م بدون قید و شرط، تسلیم متفقین شد و تمامی متصرفات خود در اقیانوس آرام از جمله کشور کره را از دست داد. در این روز، امپراتور ضمن نطق رادیویی از ملت ژاپن درخواست تسلیم کرد و گفت «باید تحمل نکردنی را تحمل کنید و تسلیم شوید». این روز به عنوان غم‌انگیزترین روز در تاریخ ژاپن شناخته شده است. در این روز مردم در اطراف قصر امپراتور، پای بلندگوها گردآمده و به شدت گریستند و نظامیان که داخل انبوه جمعیت بودند با شلیک تیر به شقیقه خود به زندگی خود پایان دادند. با

این حال، تعدادی از روشنفکران و نویسندگان و هنرمندان که جنگ را تقبیح می‌کردند، از این روز اظهار رضایت کردند (پاسبان، ۱۳۷۹: ۶۶).

ژاپن در جریان جنگ جهانی دوم صدمات فراوانی دید و در اواخر جنگ به چنان وضعی دچار شد که بسیاری از تحلیل‌گران در توصیف آن، عبارت «به کلی ویران شده» را به کار بردند. جنگ از مردم ژاپن بیش از دو میلیون قربانی گرفت، حدود چهل درصد شهرهای آن به ویرانه مبدل شد. تاسیسات صنعتی و تولیدی تخریب و نابود شد، مزارع سوخت، سررشته کشت و زرع و کار و تولید از هم گسیخت، اقتصاد کشور فلج شد و سرانجام چیزی جز سرزمینی ویران و مردمی بیکار و گرسنه بر جای نماند. با این همه مردم ژاپن، خیلی زود بر بهت و گیجی خود فایق آمدند و شروع به خودسازی و نوسازی کشور کردند. از آنجا که بلافاصله پس از جنگ در قانون اساسی خود به صلح‌دوستی و مجاهدت در راه حفظ و استقرار صلحی پایدار و جهانی تاکید ورزیدند، ارتش را به کلی منحل کردند. لذا افراد نظامی نیز به سایر مردم پیوستند، و به سازندگی کشوری مشغول شدند که از لحاظ منابع طبیعی، یکی از فقیرترین کشورهای جهان است (درداری، ۱۳۷۵: ۱۷). اشغال کشور از سوی متفقین (۱۹۴۵ تا ۱۹۵۲) نظام سیاسی کشور را تبدیل به نظامی دموکراتیک کرد و همچنین احیای شگفت‌انگیز اقتصادی را بر اساس سیاست فعال صادرات آغاز ساخت. آیین شینتو - که با ملی‌گرایی افراطی همسان شده بود - به صورت دین رسمی کنار گذاشته شد و در همین خلال جریانی به نام نهضت آموزش پدید آمد که طی آن کشور، گروهی از افراد مستعد را به منظور کسب و آموزش تخصص راهی کشورهای پیشرفته جهان ساخت (<https://fa.wikipedia.org/wiki/86>).

۲-۱. آغاز اجرایی سیاست‌های صلح بعد از جنگ جهانی

ژاپن بعد از جنگ به اشغال نیروهای نظامی ایالات متحده درآمد و این کشور در تربیت جوانان ژاپنی سعی بلیغی نمود. ژنرال داگلاس مک‌آرتور از سوی هری ترومن، رئیس‌جمهور ایالات متحده، به کار نظارت بر ژاپن اشغالی منصوب شد. با آغاز جنگ کره و ورود به دوران جنگ سرد، ژاپن به متحدی پراهمیت برای آمریکا تبدیل شد. مجلس قانون‌گذاری این کشور شکل گرفت. قانون اساسی ژاپن، عالی‌ترین متن قانونی در کشور ژاپن است به طوری که هر قانون، فرمان، دستخط امپراتور یا تصویب‌نامه دولتی مغایر با

خود را فاقد اعتبار دانسته است. (اصل نود و هشتم قانون اساسی ژاپن) این قانون دو سال بعد از شکست ژاپن در جنگ جهانی دوم و اشغال کشور توسط نیروهای متفقین، در روز سوم نوامبر ۱۹۴۶ به تصویب رسید و در ۳ مه ۱۹۴۷ به مرحله اجرا گذاشته شد. قانون اساسی ژاپن بیشتر به نام «اساسنامه صلح جویی» (هیوا کِنپو) معروف است (<http://japanstudies.ir/post/214/>).

بعد از پایان جنگ جهانی دوم در اوت ۱۹۴۵، ژاپن، گام نهادن در راه تبدیل به کشوری دموکراتیک را آغاز نمود. قانون اساسی ژاپن که از سال ۱۹۴۷ لازم الاجرا بوده، بر سه اصل استوار است: حاکمیت مردمی، احترام برای حقوق اولیه انسان و کناره گیری از جنگ (<http://japan.parsmags.com>). ایالات متحده و ۴۵ کشور هم‌پیمان او، در سپتامبر ۱۹۵۱ میلادی پیمان صلحی با ژاپن بنام قرارداد سان فرانسیسکو امضا کردند (World War II and the occupation, 2013).

این پیمان در ۲۰ مارس ۱۹۵۲ میلادی به تصویب مجلس سنای آمریکا رسید. بر اساس مفاد این پیمان، ژاپن بار دیگر استقلال کامل خود را به دست آورد. اشغال هفت ساله این کشور باعث اصلاحات گسترده دموکراتیک شد و به منزلت امپراتور به عنوان خدایی زمینی، پایان داد (<http://rtuke.mihanblog.com/post/302>). ژاپن پس از رهایی از جنگ، سیاست مسالمت‌آمیز در پیش گرفت و در ۱۹۵۶ به عضویت سازمان ملل متحد درآمد. اقتصاد این کشور بار دیگر تنها چند سال پس از پایان جنگ و در دهه ۱۹۶۰م با رشد متوسط ۱۰٪ در سال به بالاترین نرخ رشد اقتصادی در بین تمامی کشورهای درگیر جنگ رسید و این کشور به یکی از بزرگترین قدرت‌های اقتصادی جهان تبدیل شد و در عرصه فناوری پیشتاز شد. در ۱۹۸۸ ژاپن با پیشی گرفتن از آمریکا تبدیل به بزرگ‌ترین کشور تامین‌کننده اعتبار در جهان شد. هم‌اکنون نیز ژاپن دارای سومین اقتصاد برتر جهان بعد از آمریکا و چین می‌باشد.

۳-۱. توسعه اقتصادی ژاپن و علل کلیدی آن

ژاپن در آگوست ۱۹۴۵ پس از یکسری بمباران سراسری و بالاخره بمباران اتمی هیروشیما و ناکازاکی، ناگزیر به تسلیم شد. پس از این شکست ژاپن با بیش از ۱۳ میلیون نفر بیکار مواجه بود و کمبود مواد غذایی به شدت احساس می‌شد. تورم به حدی بود که

حقوق افراد، مکفی مخارج جاری نبود و افراد برای سیر کردن شکم خود اقدام به فروش دارایی خود کرده بودند. برای کالاهای ضروری بازار سیاه درست شده بود و قیمت‌ها ۳۰ تا ۶۰ برابر قیمت رسمی دولت بود. در مورد برنج این رقم به ۱۵۰ برابر نیز رسیده بود. جنگ برای ژاپن به جز ۸ میلیون نفر کشته و زخمی به بهای ویرانی ۲۵٪ از دارایی‌های غیرنظامی و نابودی ۴۱،۵٪ از ثروت ملی تمام شد. این در حالی است که اکنون ژاپن بازسازی شده با داشتن ۳٪ از خاک کره زمین توانسته ۲۴٪ از تولید جهانی را به خود اختصاص دهد. این کشور به رغم شهرنشینی متراکم نسبتاً از جرم و جنایت به دور مانده است. نسبت سرقت در ژاپن در مقایسه با آمریکا چیزی کمتر از ۰،۷٪ است. پیشرفت اقتصادی ژاپن چنان چشمگیر بود که در مقطعی آمریکایی‌ها را به انتقاد از سخت‌کوشی، کم‌مصرفی و حجم کلان پس‌انداز ژاپنی‌ها واداشت. آنچه ژاپن ویران شده ۱۹۴۵ را به ژاپن ابرقدرت اقتصادی امروز مبدل کرده است، فرایندی است که عده‌ای آن را معجزه اقتصادی نامیده‌اند. لیکن این معجزه واقعیت‌آموزنده برای کشورهای است که هنوز خود را در کاغذبازی‌ها و نسخه‌های پرزرق و برق توسعه غرب، غرق کرده‌اند. دولت ژاپن آئین شینتو را به نقطه قوت مردم تبدیل کرده بود و در سال ۱۹۱۳ به منظور تجمع تمامی افراد و گروه‌ها، طی تبلیغات وسیع اعلام کرد که شینتو یک نهاد ملی با هویت تاریخی و معنوی است و هر کس بدون توجه به ایدئولوژی و مراسم، به عنوان یک وظیفه میهنی و نشانه‌ای از وفاداری و صداقتش به میهن، باید در معابد شینتو حضور یابد. در ساختار مدیریتی ژاپن، زمانی که همه کشورها با شور و اشتیاق فراوان اقدام به برگزاری دوره‌های مدیریت MBA می‌کردند، ژاپن تنها کشوری بود (همچون مقابله با تهاجم فرهنگی غرب) هوشیارانه زیر بار برگزاری این دوره‌ها نرفت و همچنان ساختار مدیریت ارزشمند خود را حفظ کرد و اندک اندک نواقص آن را برطرف کرده و مکتبی را با عنوان مکتب مدیریت ژاپنی وجود آورد (<http://www.yjc.ir/fa/news/4119587>).

۲. تاریخچه آموزش و پرورش در ژاپن

تاریخ ژاپن نزدیک به ۷۰۰ سال قبل از میلاد برمی‌گردد. امپراطوری جیمو تنو در این سال تاسیس شد و این کشور در سال ۱۶۰۳ تا ۱۷۶۷ درهای خود را بر روی بیگانگان بست در واقع تعبیرش این بود که برای بومی‌سازی و مقاوم کردن ارزش‌های موجود و

نهادینه کردن هنجارها راهی جز چنین تصمیمی ندارد و توسعه را در همه زمینه‌ها آغاز کرد. نرخ سواد در آن متجاوز از ۹۹ درصد است و رتبه اول را در زمینه دستاوردهای آموزشی در دنیا دارد. تاریخچه آموزش در ژاپن ریشه در عقاید و آموزش‌های چینی دارد. در قرن ۱۶ و اوایل قرن ۱۷ مبلغان مذهبی اروپایی نیز بر مدارس ژاپنی تاثیرگذار بودند. از حدود سال‌های ۱۸۶۸ - ۱۶۴۰ (در طول دوران انزوای ژاپن در زمان حکومت فرماندهان ارتش "توکوگاوا") مدارس معابد بودایی که "تراکوی" نامیده می‌شدند، مسئولیت آموزش مردم را به عهده داشتند و گام‌های بزرگی در زمینه افزایش سطح سواد در میان مردم عادی برداشتند. در این زمان ژاپن به دنبال یافتن مدل‌های آموزشی در کشورهای اروپایی و شمال قاره آمریکا بود. همچنان که امپراطوری ژاپن در طول سال‌های ۱۹۴۰ - ۱۹۳۰ گسترش یافت، آموزش نیز به طور فزاینده‌ای در ژاپن به صورت ملی گرایانه و نظامی‌گرا درآمد (<http://oerp.ir/content>).

۱-۲. ساختار آموزش و پرورش ژاپن

تعلیم و تربیت ژاپن به عهده وزارت آموزش و پرورش، علوم و فرهنگ ژاپن است. این وزارت آموزش کودکان را از دوره ابتدایی آغاز می‌کند و تا پایان دانشگاه ادامه می‌دهد. علاوه بر مدارس و دانشگاه، مراکزی مانند موزه‌ها، نمایشگاه‌ها، سالن‌های تئاتر و سینما نیز زیر نظر این وزارت است. نحوه اداره مدارس، انتخاب کتاب‌های درسی، استخدام نیرو و تعیین روزهای فعالیت مدارس به عهده، شورای آموزش و پرورش است (<http://www.mahshar.com/world/research/edupol/countries.phpcjapans10.htm>).

۲-۲. اصول و اهداف آموزشی

ایده و اصول آموزش در ژاپن در قانون اساسی مصوبه سال ۱۹۴۷ تدوین شده است. با تصویب قانون اساسی، ژاپن عزم خود در مشارکت با صلح جهانی و رفاه بشریت را با ایجاد دولتی دموکرات و فرهنگی نشان داد. درک این ایده‌آل اساساً به قدرت آموزش بستگی خواهد داشت. ما شرافت فردی را گرامی خواهیم داشت و سعی می‌کنیم مردم را طوری بار بیاوریم که به حقیقت و صلح عشق بورزند، حال آن که آموزش با هدف ایجاد غنای فرهنگی در فرد همه‌گیر خواهد شد. اصول آموزش و پرورش ژاپن در قانون اساسی

این کشور درج شده است. به موجب این اصول همه افراد کشور حق دارند متناسب با توانایی‌های خود از آموزش و پرورش برخوردار شوند و همه والدین باید مکلف باشند کودکان خود را به مدرسه بفرستند. هدف اصلی آموزش توسعه همه‌جانبه شخصیت و پرورش جسمی و ذهنی کودکان است، تا بتوانیم افرادی سالم که به حقیقت و عدالت عشق می‌ورزند، به حقوق افراد احترام می‌گذارند، برای کار ارزش قائلند، احساسی عمیق نسبت به مسئولیت‌های خود دارند و به عنوان سازندگان جامعه و کشوری صلح‌طلب با روحیه‌ای سرشار از استقلال و آزادی پرورش یافته‌اند، داشته باشیم. در مقدمه این قانون خواست مردم ژاپن مطابق با آنچه در زیر آمده بیان می‌شود:

«ایده‌آلی که آموزش ژاپن به آن سو حرکت می‌کند، قالب‌ریزی انسانی است که در طلب حقیقت و صلح می‌باشد. این از تجربه مردم ژاپن در جنگ جهانی دوم به وجود آمده است. اهمیت عبارت "دیگر هیروشیما نمی‌خواهیم!" عمیقاً در قلب و اذهان مردم ریشه دارد. در ژاپن امروز، پنجاه سال پس از پایان جنگ جهانی دوم، شرایط خارجی زندگی به شدت تغییر کرده است و این در نتیجه پیشرفت صنعتی می‌باشد، حال آنکه روح درونی مردم تغییر چندانی نکرده است. هماهنگی این روح درونی با شرایط خارجی دلالت بر اشاعه فردیت طالب حقیقت و صلح دارد. آموزش در ژاپن، در طول پنجاه سال پس از جنگ، مستلزم پیگیری این ایده‌آل بوده است. ماده نخست قانون آموزش هدف آموزش را چنین تدوین می‌کند:

«هدف آموزش باید رشد کامل شخصیت باشد و برای پرورش مردمی با سلامت ذهنی و جسمی، مردمی که عاشق حقیقت و عدالت هستند و بر ارزش‌های فردی ارج می‌نهند، به کار احترام می‌گذارند، و احساس مسئولیت عمیقی دارند و به عنوان سازندگان جامعه و دولت دارای روحی مستقل می‌باشند. به منظور دستیابی به اهداف آموزشی ذکر شده در بالا، قانون اساسی آموزش، برابری فرصت‌های آموزشی، (نه سال) آموزش پایه رایگان، آموزش مختلط و امثال آن را فراهم می‌آورد. به هر ژاپنی حقی برابری داده می‌شود که هماهنگ با استعداد و توانایی خود و بدون توجه به نژاد، طبقه، جنسیت، جایگاه اجتماعی، درآمد اقتصادی و منشأ خانوادگی آموزش ببینند. آموزش مختلط یکی از مقرراتی است که تقریباً به طور کامل در آموزش پس از جنگ ژاپن مشاهده شده است. هنوز بعضی‌ها مخالف سیستم آموزشی مختلط هستند، اما اکثریت مردم در مورد فواید آن قانع شده‌اند. در میان دیگر مقررات باید به نادین محوری در آموزش نیز توجه شود.

به طور طبیعی در طول دوره‌ای آموزشی، بر باور مذهبی تأکید می‌شود، اما در مدارس ایالتی و مدارس دولتی محلی، آموزش هر گونه اعتقاد مذهبی معین یا راهبری فعالیت‌های فرقه‌گرایی مذهبی ممنوع می‌باشد (<http://amoozak.org/content>).

۲-۳. یادگیری در طول زندگی

یکی از برنامه‌های مدارس ژاپن اجرای برنامه‌های یادگیری در همه زندگی است. در حقیقت یادگیری در تمام عمر به اندازه آموزش و پرورش رسمی اهمیت دارد. شعار آنها این است هر فرد در هر جا و هر زمان باید بیاموزد. ایجاد مراکز دانشگاهی مکاتبه‌ای، مدارس شبانه و دانشگاه سیما برای این منظور فعالیت می‌کند. شعار ژاپنی‌ها این است؛ هر فرد در هر جا و هر زمان باید بیاموزد نظام آموزش و پرورش ایفاگر مهم‌ترین نقش در مدرن‌سازی جامعه و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یک ملت است. در اولین دوره اصلاحات آموزشی، دولت تلاش کرد تا نظام آموزش و پرورش را بنیان گذارد که بتواند زمینه‌های لازم برای نوسازی جامعه را فراهم سازد. در این دوره، دولت با آگاهی و استقلال کامل به سراغ تجربه‌های جهانی رفت و از راهکارهای مختلفی چون اعزام دانشجو به خارج، دعوت از دانشمندان خارجی و ترجمه کتاب‌ها و منابع خارجی در جذب دانش و فناوری کشورهای پیشرفته بهره گرفت (<http://mmt.persianblog.ir/post/79/>).

۲-۴. سیاست‌های آموزشی

ژاپنی‌ها مفاهیم بسیار محکم و پردوامی را در سیاست‌های آموزشی خود ردیابی می‌کنند. دانش‌آموزان آنها باید در آینده قادر باشند منابع انسانی مطمئنی برحسب خرد، حسن و سلامت جسمانی معرفی شوند. اهداف آموزشی ژاپنی‌ها عبارتند از :

- ایجاد ظرفیت شامل توانایی آکادمیک و فردی برای هریک از دانش‌آموزان.
- بارور ساختن مقوله انسانیت دانش‌آموزان، نظم و انضباط و توجه به کار جمعی و احترام به طبیعت و حساس و دقیق بودن .
- بهبود توان جسمانی و روحی دانش‌آموزان ژاپنی و سلامت آنان (<http://worldedu.blogfa.com/post/19>).

ووگل استاد دانشگاه هاروارد، معتقد است نوسازی ژاپن از اواسط قرن نوزدهم (یعنی

عصر امپراتوری «می جی» در سال ۱۸۶۸ آغاز شده و از این زمان ژاپنی‌ها به طور جدی با فرهنگ غرب آشنا شدند و از ترکیب و تلفیق عناصر فرهنگی خود، فرهنگ نوین ژاپن را ساختند. روش ژاپنی‌ها در این ترکیب فرهنگی، هشیارانه و آگاهانه بود. ژاپنی‌ها تمدن و فرهنگ کهن خود را با دانش نوین درآمیختند و فرهنگ کهن را دور نینداختند. حاصل این آمیزش بسیار اثربخش بود و فرهنگ ژاپن شکوفا شد. همچنین ویژگی‌ها همچون پشتکار، صبر و حوصله، انضباط درونی، حساسیت و احترام به دیگران، تاکید بر کار گروهی (تیمی) در موفقیت آنها سهم داشته، ولی ووگل معتقد است: پیشرفت‌های ژاپنی‌ها بیشتر دستاوردهای ساختاری سازمانی، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی درست آنهاست. شاید بتوان گفت «مدیریت ژاپنی» که زبانزد جهانیان است در این توفیق سهم بسزایی داشته است. بسیاری از پژوهشگران علل توفیق ژاپن را به نظام آموزش و پرورش کارآ، با کیفیت و سرمایه‌گذاری زیاد روی پرورش منابع انسانی، سخت‌کوشی و وفاداری افراد به سازمان‌هایی که در آن کار می‌کنند، احساس تعهد در جهت رشد و پیشرفت، فداکاری و آمادگی برای اصلاح نارسایی‌ها و اشتباهات خود، سازماندهی و مدیریت بسیار خوب و کارساز نسبت می‌دهند (<http://japanstudies.ir/post/753/>).

۵-۲. خط‌مشی وزارت آموزش ژاپن برای آموزش اخلاقی

وزارت آموزش و پرورش ژاپن خط‌مشی خود را برای آموزش‌های اخلاقی این‌گونه معرفی می‌کند:

الف) مواردی که به خود شخص مربوط می‌شود:

۱. داشتن یک زندگی منظم و مرتب، با توجه به بهداشت و سلامت فردی و مراقبت از وسایل شخصی،

۲. درس خواندن و تلاش کردن را که جزء مسئولیت‌های فردی است، به طور کامل انجام دهند،

۳. پیشقدمی در انجام کارهایی که به نظر خوب می‌آید و

۴. داشتن یک زندگی توأم با آرامش و صداقت و پرهیز از عدم صداقت.

ب) مواردی که به روابط فرد با دیگران مربوط می‌شود:

۱. خوش‌اخلاق بودن با دیگران از طریق احوال‌پرسی صمیمانه و انجام اعمال پسندیده،

۲. با محبت و دلسوزی با بچه‌های کوچک‌تر و نیز اشخاص بزرگ‌تر رفتار کردن و
 ۳. مهربان بودن با دوستان و کمک کردن به آنها.
 - ج) مقوله‌هایی که به ارتباط با طبیعت و مظاهر آن مربوط می‌شود:
 ۱. احساس نزدیکی با طبیعت اطراف و خیرخواهی در برخورد با گیاهان و حیوانات،
 ۲. داشتن دلی که برای زندگی ارزش قائل است و
 ۳. تماس با اشیای زیبا و احساس زیبا بینی.
 - د) مباحثی که به روابط با گروه‌ها و جامعه، بستگی دارد:
 ۱. از وسایلی که دیگران به کار می‌برند، با دقت استفاده کردن و خوش قول بودن و اصول را رعایت کردن،
 ۲. احساس عشق و احترام نسبت به والدین، پدربزرگ و مادر بزرگ و فعالانه در امور منزل به آنها کمک کردن،
 ۳. نسبت به آموزگاران عشق و احترام داشتن (لوئیس، ۱۳۸۱: ۳۶).
- همه مدارس در ژاپن به منظور گسترش این برنامه‌ها کار می‌کنند که چگونه می‌توان اهداف را به عنوان بخشی از موضوعات علمی و تحصیلی، از طریق کلاس، رخدادهای خاص در مدرسه و یا پاره‌ای فعالیت‌های روزمره پیگیری کرد. می‌توان گفت در ایران نیز روز به روز بر اهمیت اهداف مذکور افزوده می‌شود.

۶-۲. نظام آموزشی ابتدایی در ژاپن

مدارس ابتدایی در ژاپن بسیار جالب و دیدنی هستند، ساختار و نظام آموزش ابتدایی ژاپن به پرورش شخصیت کودک در این دوره بسیار توجه دارند. فضای فیزیکی مدارس ابتدایی بسیار مجهز و درخور توجه هست، به طوری که اکثر مدارس ابتدایی در ژاپن استخر دارند و فضای فیزیکی بسیار تمیز و با طراوت هستند. اما چرا مدارس ابتدایی؟ اکثر پژوهشگران آموزش و پرورش ژاپن، مدارس ابتدایی ژاپن را بسیار سرزنده، بزرگ، جالب و جذاب توصیف کرده‌اند، برای مثال «کومینگر» می‌گوید: مدارس ابتدایی، گل سرسبد آموزش و پرورش ژاپن هستند. دولت ژاپن بیشترین سهم از تولید ناخالص ملی را صرف دوره‌های آموزش پیش‌دبستانی و ابتدایی می‌کند.

● تاکید بر کار گروهی (تیمی)

- انعطاف فکری و نوپذیری نوسازی اعجازآمیز ژاپن
- نظام آموزشی کارآمد - کیفیت بالای آموزش
- پشتکار، صبر و حوصله، انضباط درونی
- احترام به دیگران
- روح همکاری دسته جمعی
- انضباط و شوق به کار
- ثبات
- شوق یادگیری
- اخلاق کار و تلاش
- در زمینه مدیریت، ژاپنی ها به رهبری جمعی گرایش دارند
- تاکید بر جنبه کاربردی آموزش
- شیوه آموزش عملگرا، تاکید بر آزمایش و پژوهش
- دانش آموزان در کارهای مدرسه مشارکت فعال دارند (تعاون، همراهی گروهی)
- مدرسه در ژاپن محل زندگی دانش آموزان است
- در مدارس سعی در بالابردن «اعتماد به نفس» فراگیران (دانش آموزان) است
- مدارس ژاپنی تلاش برای رشد خلاقیت، رشد روحیه کار گروهی می کنند
- بازی های آزاد در مدارس مورد توجه است
- مدارس ژاپنی - بچه ها را برای زندگی در جامعه تربیت می کند
- پرورش حس اعتماد به نفس
- شکوفائی خلاقیت
- مشارکت و درگیر کردن بچه ها به صورت عملی
- پرورش حس مسئولیت پذیری
- تاکید بر رفاقت بین دانش آموزان به جای رقابت
- تاکید بر دوستی و همکاری بین بچه ها
- همکاری در نظافت مدرسه
- همکاری بسیار نزدیک خانواده (ولیات) با مدرسه
- تاکید بر دوستی و رفاقت در مدارس

- توجه به خودفرمانی یا خودمدیریتی
- تاکید بر رشد اجتماعی سهم زیادی از آموزش در ژاپن به زندگی اجتماعی و رشد اجتماعی می‌پردازد.
- ایجاد فرصت‌های مساوی برای همگان
- آموزش (پرورش) تمامی کودکان با یک روش
- معلمان مربی‌اند نه مستبد (معلم در نقش هادی و راهنما)
- در مدارس ژاپن تفریح و شادی ضروری است
- در مدارس با تفریح و شادی دانش آموزان را وارد به مشارکت و همکاری می‌کنند
- در ژاپن کلاس‌ها به گروه‌های کوچک تقسیم می‌شود.
- ژاپنی‌ها کوشیده‌اند شادی و لذت را به فرایند یادگیری بیامیزند.
- در کلاس‌های درسی ژاپن تعارض دشمنی بین معلم و شاگرد وجود ندارد.
- هیچ دانش‌آموزی در ابتدایی مردود نمی‌شود- هیچ دانش‌آموزی از مشارکت در فعالیت‌ها منع نمی‌شود. ژاپنی‌ها اعتقاد دارند تجربه‌ها، تاثیر بلندمدت در رشد دارد. لذا برای پرورش افراد، تجارب مهم هستند.
- برنامه درسی ملی در بردارنده راهکارهایی برای فعالیت‌های غیردرسی دانش‌آموزان می‌باشد (برنامه نظافت مدرسه) از آنجا که در مدارس ژاپنی سرایداری وجود ندارد، پاکیزه نگه‌داشتن کلاس‌ها، راهروها یا سرویس‌های بهداشتی زمین‌های بازی بر عهده دانش‌آموزان است.
- دانش‌آموزان ابتدایی و پیش‌دبستانی نظافت کلاس و مدرسه انجام می‌دهند. به زعم برخی پژوهشگران در مدارس ژاپن آموزش قلب‌ها و اندیشه‌های بچه‌ها مدنظر است. ویژگی مهم فضای فرهنگی مدارس ژاپن (در دوره ابتدایی) سرزندگی، شلوغی، شادابی، شادی و جار و جنجال کلاس است. معلمان ژاپنی برخلاف همکاران خود در سایر کشورها تلاشی برای سکوت و ساکت و بی‌حرکت نگه‌داشتن دانش‌آموزان خود نمی‌کنند. از آنجا که دانش‌آموز مجاز است با بغل دستی خود صحبت کند، برای ترانشیدن مدادش از جا بلند شود یا پرده‌ها را بکشد، این قبیل کارها، اختلال در نظم کلاس به شمار نمی‌رود. بنابراین، نظم و انضباط تحمیلی نیست و در نتیجه کلاس‌ها نیز شلوغ و پر جار و جنجال است و این امر از نظر معلمان، بی‌اشکال است (بختیاری، ۱۳۸۷: ۱۲).

در ژاپن آموزش و یادگیری در مدارس به صورت حیرت‌انگیزی در قالب سناریوهای فرهنگی مدیریت می‌شود و آموزش و پرورش ژاپن مبتنی بر فرهنگ ژاپنی است. ژاپنی‌ها در مواجهه با مغرب‌زمین، همواره نگران از دست رفتن ارزش‌های اخلاقی، هویت ملی و باورهای کهن خود بودند. ژاپنی‌ها هیچ‌گاه علاقه‌مندی خود را به سنت‌ها، ارزش‌های اجتماعی و هویت ملی خود پنهان نمی‌کردند؛ در عین این که لزوم کسب دانش و فناوری مغرب‌زمین را نیز به خوبی درک کرده بودند و زمینه‌های لازم برای این مهم را فراهم می‌آوردند. آنها به خوبی دریافته بودند که رویارویی با کشورهای پیشرفته در همه زمینه‌ها مستلزم توان علمی، فنی، فکری و معنوی فوق‌العاده‌ای است؛ بنابراین، تلاش می‌کردند تا از یک سو روح ژاپنی، ارزش‌ها و هویت ملی خود را حفظ کنند و گسترش دهند و از سوی دیگر، مجدانه به کسب دانش و فناوری مغرب‌زمین بپردازند و زمینه‌های لازم برای همگون‌سازی آن را با شرایط اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی خود فراهم سازند. آنها در نوسازی مؤسسات آموزشی خود تمام توان خویش را به کار گرفتند تا هر چه بیشتر بر قابلیت‌های اجتماعی جذب دانش خارجی و ژاپنی ساختن آنچه وام گرفته‌اند، بیفزایند و به خوبی از مرحله تقلید عبور کنند و به ابتکار و خلاقیت لازم برسند. تجربه ژاپن در سه دوره اصلاحات آموزشی یکی از ریشه‌های اساسی پیشرفت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را آشکار می‌سازد و آن عبارت است از شرایط، زمینه‌ها، قابلیت‌ها و مدیریت اصلاحات آموزشی به ویژه در ارتباط با نوسازی اجتماعی و مواجهه با تحولات مغرب‌زمین. سیاست اصولی توجه به ارزش‌های فرهنگی و ملی و شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ژاپن، همراه با کوشش پیگیر در جذب همگون‌سازی و توسعه دانش و فناوری جدید- براساس حرکت از تقلید به ابتکار- همیشه مورد توجه بوده است و عنصر اساسی اصلاحات آموزش و پرورش قبل و بعد از جنگ‌های جهانی اول و دوم به شمار می‌رود. در ژاپن، اصلاحات آموزش بر پایه پژوهش‌های معتبر علمی، بهره‌گیری از تجربه‌های بین‌المللی و استفاده از تجربه‌های به دست آمده از اصلاحات آموزش دوره‌های گذشته صورت می‌گیرد. این روش اصلاح آموزشی بیش از هر چیز توجه و مشارکت عمومی و سرمایه‌های اجتماعی لازم برای نیازسنجی، ارزشیابی و بازنگری اثربخش برنامه‌های آموزشی، برنامه درسی ملی و محتوای آموزشی را به همراه دارد. *

کتابنامه منابع فارسی

- بختیاری، ابوالفضل. (۱۳۸۶). «درس‌هایی از ژاپن»، *خبرنامه انجمن دوستی ایران و ژاپن*، ۷ (۱۶).
- پاسبان و یاماگوچی. (۱۳۷۹). *جشن‌ها و آیین‌های ژاپن همراه با گاه‌شماری رویدادها*. حسنی، عطاله. (۱۳۸۱). «تاریخ ژاپن و انقلاب میجی»، *مجله کتاب ماه*، (۵۶).
- درداری، نوروز. (۱۳۷۵). *مدیریت ژاپنی*. تهران: چاپ رسا.
- لوئیس، کاترین. (۱۳۸۷). *آموزش قلب‌ها و اندیشه‌ها (تجارب آموزشی ژاپنی‌ها)*. ترجمه ح افشین‌منش و ش. ایلیگی. تهران: نشر سازوکار.

منابع انگلیسی و اینترنتی

- Heilbrunn Timeline of Art History: Japan, 1900. (2013). *the Metropolitan Museum of Art*, February 18.
- <http://amoozak.org/content/http://mmt.persianblog.ir/post/79/>
- <https://fa.wikipedia.org/wiki/%DA%98%D8%A7%D9%BE%D9%86>
- <https://fa.wikipedia.org/wiki/%DA%98%D8%A7%D9%BE%D9%86#cite>
- <http://japanstudies.ir/post/214/>
- <http://japanstudies.ir/post/753/>
- <http://japan.parsmags.com>
- <http://oerp.ir/content/>
- <http://rtuke.mihanblog.com/post/302>
- <http://worldedu.blogfa.com/post/19>
- <http://yjc.ir/fa/news/4119587/>
- <http://www.mahshar.com/world/research/edupol/countries.phpcjapans10.htm>
- Mukden Incident. (2013). *Timelines*, 18 February 18.
- The Rise of the Militarists. (2013). *Library of Congress Country Studies*, February 18.
- World War II and the Occupation. (2013). *Library of Congress Country Studies*, Feb 18.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی